

۱۱۰۰۱۲۴
۱۰۰

طوسی پیرامون
میں ڈومسٹک فائر (سی) کی



کتابخانہ آن لائن «طالقانی و زمانہ ما»

تاریخ ۲، ۴، ۱۳۵۸

حضرت مجاهد کبیر حاج سید محمد طاهان

بکمال احترام دراز عرض سلام و اظهار ارادت به پیوسته نظرات انجمن تحت عنوان

«بجای پیران پیش ازین قازن اساسی (از سید ماه اسلام)» و یک نسخه از سوابق

رداری - (جبهه ملی و سیاسی خود را جهت استحضار حضرتعالی افاضه دارد)

بالتعمیم احترامات

دکتر محسن جبرایی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

نشانی: تهران - خیابان گداز (ششمین بنج سابق) کوچه [] شماره []

تلفن [] [] ۹۲۶۶

بسمه تعالی

از دکتر محسن جورابی - کارمند شرکت ملی صنایع پتروشیمی

- نماینده ، منتخب اعضاء سهامدار شرکت تعاونی مسکن

او پی جی (نفت - پتروشیمی - گاز)

- عضو هیئت موسس و اجرائی جمعیت آذربایجانیان

موضوع - بحثی پیرامون پیش نویس قانون اساسی

بخوبی واقفیم که ۹۸/۲ درصد از مردم ایران که حق دادن رای داشتند جمهوری اسلامی را تأیید نمودند . با توجه به اینکه حکومت جمهوری بمعنی حکومت منتخب و برگزیده مردم تلقی میشود پسوند اسلامی آن در حقیقت معنا و مفهوم جمهوری ایران را از جمهوریهای مشابه در دنیا متمایز میسازد بدینمعنی که اگر اسلام مطرح میباشد اجرای تعالیم عالیه دین مبین اسلام بایست در سر لوجه برنامه ها قرار گیرد و چون " قانون اساسی " سند محکم و تعیین کننده حدود اختیارات و آزادیهای فردی و اجتماعی است این سؤال پیش میآید که آیا در مورد مرضی که مرض قند دارد و از میل شیرینی و مریجات لذت وافر میبرد نظر مریض مطرح است و یا اینکه پزشک معالج است که باید نحوه تغذیه و رژیم غذایی او را تعیین نماید . چون تا آنجا که همه اعتقاد داریم در کشور عزیزمان ایران - خوشبختانه اکثریت تقریباً " مطلق جمعیت بنحوی از انحاء به اصل توحید اعتقاد کامل دارند و در مقام مقایسه با دیگر کشورها برای مثال با اسرائیل و یا بطور کلی با صهیونیسم که علاوه بر تبعیض و برتری نژادی وجدان نمودن نژاد خود از دیگرانسان ها در وجود خود خداوند باریتعالی هم شریک قرار میدهند و معتقدند که خدای اسرائیل که " یهود " نامیده میشود فقط از قوم بنی اسرائیل حمایت مینماید در صورتیکه خوشبختانه اغلب یهودیان کشورمان همگی به اصل توحید کاملاً " معتقد بوده و در اینخصوص هیچگونه تضاد فکری با هموطنان مسلمان خود ندارند و حتی علت اینکه ما مسلمانان آنها را کلیمی مینامیم بعلت احترامی است که به رسالت حضرت موسی بعنوان کلیم الله اعتقاد داریم و همچنین است در مورد اقلیت های مذهبی دیگر زیرا اگر زرتشتیان از سه هزار سال پیش به اینطرف " نور " را بعنوان انرژی واحد که از اراده مافوق تصور برخوردار است پذیرفته اند در حقیقت بدینمعنی است که تمام مردم ایران به اتفاق و با وحدت کلمه حکومت الله (ایزد یکتا) و اجرای فرامین او را پذیرا شده اند و لذا با قبول اصل توحید اگر به اصول پنجگانه دین و مذهب در آئین خود یعنی توحید - نبوت - معاد - عدل - امامت و اجرای آن بیندیشیم به یک نتیجه کاملاً " منطقی و عملی خواهیم رسید بدینمعنی که چون اعتقاد به خداوند و رسالت او و روز معاد و حتی به اینکه امام زمان (عج الله تعالی فرجه) در حال هیئات هستند و از پشت پرده رویدادها را به اذن پروردگار عالم اداره میفرمایند یک مساله کاملاً " فردی و اعتقاد شخصی محسوب میشود و عملاً " در جامعه تشخیص کسی که خدا را قبول دارد یا نه و یا به روز معاد معتقد

هست یا نه بسیار مشکل است آنچه که واضح و مبرهن میگردد اینست که از اصول پنجگانه مذکور فقط و فقط مسأله " عدل " در جامعه بصورت فردی و اجتماعی عملاً " خود نمائی و تجلی فینمایند . روشن است که هر فرد از افراد جامعه با اعتقاد به اینکه خدا عادل است چنانکه اصل عدالت را در ضمیر خود پیاده نموده و مسیر خود را در جهت اجرای عدالت انتخاب نماید بیشک از کردار و رفتاری برخوردار خواهد شد که هم در جامعه کوچک خانوادگی و هم در جامعه بزرگ که در آن فعالیت و امرار معاش میکند تخلفاتی از قبیل گرانفروشی - احتکار کالا - تجاوز بحقوق دیگران - خیانت بوطن و به همنوع - دزدی و غارت و غیره را محکوم نموده و عملاً " در جهتی گام بر میدارد که دایره عدالت حیظه فعالیت و نحوه زندگی او را مشخص نموده است و اگر از همین دیدگاه تدوین قانون اساسی آینده کشور را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم به نتیجه بس والا که در کل متضمن اتحاد و حاکمیت ملی و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه است دست خواهیم یافت و لذا با توجه به اهمیت مسأله نگارنده فعلاً " چند اصل از پیش نویس قانون اساسی را در چهار چوب فلسفه و مفاهیم اسلام بشرح زیر مورد بحث قرار داده و انتظار دارد که در متن اصلی قانون اساسی مورد توجه و رعایت مسئولین و خبرگان امر قرار گیرد .

۱- اصل ۴۴ - در اصل ۴۴ پیش نویس قانون اساسی چنین آمده است " زمینهای قابل کشت را بدون عذر موجه نمیتوان معطل گذاشت . ضوابط مربوط به اصل را قانون معین میکند " . باید دانست که در اینمورد مطلبی که از امام جعفر صادق (ع) روایت شده بطور کاملاً " روشن تکلیف شرعی را روشن ساخته و آن اینست که هر قطعه زمینی بمدت سه سال بصورت لم یزرع و بلاعمران گذاشته شود حق تملک از صاحب آن صلب میشود و بالهام از همین مکتب بر حق جعفری بود که چند سال پیش اینجانب موضوع خرید و یا تصرف اراضی بوسیله دولت و عرضه مستقیم آن به متقاضیان را مطرح نمودم و با اینکه پیشنهاد چنین طرحی در آن دوران خالی از خطر نبود مع الوصف بنا به تکلیف شرعی و میهنی نسبت به پیگیری موضوع ملی کردن آن نوع اراضی اقدام های لازم بعمل آمد . لازم به یاد آوریست که در بعضی از قسمتهای کشور و در استان تهران زمینهایی را سراغ داریم که سه سال بلکه بیش از ده و یا بیست سال و بوسعت های حتی بیش از یکمیلیون متری و در دست عده معدودی بصورت " احنکار ظالمانه " بدون آنکه کوچکترین نفعی به جامعه برسد و فقط بخاطر اینکه قیمت زمین افزایش خواهد یافت و سپس مالک مربوط با چند نوع زد و بند ماهرانه موفق به تقسیم قطعه زمین شده و هر قطعه کوچک را به قیمت های گزاف خواهد فروخت بدون کوچکترین بهره برداری بمنظور ایجاد شهرک و یا قطب کشاورزی بهمان حال بدون استفاده باقی گذاشتند و چون بصورت انحصاری در دست عده معدودی قرار داشت در ایجاد تورم و بالا رفتن قیمتتها در سطح کشور نیز اثرات منفی بزرگ بوجود آورد . از سوی دیگر خوب میدانیم که بودند و هستند بسیار جوانانیکه از شرم نداشتن یک کلبه کوچک از حق مشروع خود که همان ازدواج و صاحب خانواده شدن است محروم بوده اند . آیا در کشوریکه بیش از هر چیز دیگر به ازاء و به نسبت جمعیت آن زمین موجود هست و آیا باوجود درآمدهای سرشاری که خوشبختانه خداوند باری تعالی به این سرزمین اعطاء فرموده و منابع عظیم زیرزمینی و روی زمینی در اختیار ملت قرار داده است برای یک ایرانی نیک سرشت و منصف شرم آور نیست که شب را در بستر

آسایش به روز رساند در حالیکه میدانند که زوجی از هموطنان او ماوا و مسکنی برای رفاه و آسایش خود در اختیار ندارد و اصولاً " چقدر میتواندست جامعه ما رنگ و محتوای زیبایی بخود گیرد چنانکه افراد جامعه خود را بی دغدغه و بی درد سر مالک خانه‌های بدانند که در آن سکونت گزیده و یا زمینی بدانند که روی آن به کشت و زرع مشغولند و اگر از مستضعف و یا پابرهنه حرفی بمیان می‌آید حقیقتاً " در این نوع حالت‌های مشابه معنی و مفهوم خود را پیدا میکنند و لذا بعقیده نگارنده هر ایرانی پاک باخته و روشن ضمیر شعر زیـرین را یکی از شعارهای انقلاب میدانند و معتقد است که در قانـون اساسی برای تحقق آن باید اصلی صریح گنجانیده شود . شعر چنین است .

با سر زنده برازنده تنی باید داشت — تا تنی هست بجا پیرهنی باید داشت

مردم خانه بدوش از بشریت دورند — با حقوق مدنیت وطنی باید داشت

بدین ترتیب با توجه بشرح فوق الذکر تجدید نظر در اصل ۴۱ پیش نویس قانون اساسی که میگوید " هیچ ملکی را نمیتوان به عنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه آن " لازم و ضروری بنظر میرسد .

۲- اصل ۴۷- در اصل ۴۷ پیش نویس قانون اساسی چنین قید شده است . " مالکیت خصوصی

در صنایع ، کشاورزی یا بازرگانی در صورتیکه وسیله اضرار یا تجاوز به منافع عمومی شود با تصویب مجلس شورای ملی ، ملی اعلام میگردد . " حال اگر از دیدگاه دیگر به قضیه نظر افکنیم به این نتیجه میرسیم که این قانون شامل حال فقط آن نوع مالکیت‌های خصوصی است که وسیله اضرار و یا تجاوز به منافع عمومی قرار گیرند و اگر احیاناً " موسساتی باشند که بظاهر و یا با سند نتوان ضرر و یا تجاوز به منافع عمومی را ثابت نمود و از درآمدهای کلان و بیحساب هم برخوردار باشند قانون در مورد آن ها هیچگونه اظهار نظری بعمل نیاورده . در صورتیکه هدف از انقلاب مقدس اسلامی این نیست که سیستم اقتصادی کشور بهمان حال قبلی که در حقیقت از سیستم فئودالیسم اداری - سرمایه داری و زراعی متشکل شده است باقی بماند . بعبارت دیگر در نظام اقتصادی قبلی که هنوز هم ادامه دارد جامعه ما از نظر سرمایه داری بصورت مثلی دیده میشود که در راس آن عده بسیار معدودی قرار داشته و در قاعده آن انواع فقر فلاکت بی خانمانی پابرهنه‌ها و بطور کلی مستمندان جامعه قرار گرفته‌اند و تمام امکانات - قدرتهای مالی و رفاهی مزایا و تسهیلات اجتماعی شامل حال گروه‌ها یا طبقاتی میگردد که در راس و یا نزدیک به راس مثلث متمرکز هستند و لذا برای هر ایرانی متفکر این سؤال پیش می‌آید که آیا در جامعه متحول کشور بعد از انقلاب و دادن و نثار خونهای فراوان هنوز هم زود است که گامی در زمینه تعدیل ثروت و در جهت توزیع عادلانه درآمدها برداشته شود . اگر انقلاب اسلامی بصورت پیروزمندانه نظام وابسته به بیگانه را در هم کوبیده باید هشیار باشیم که وظیفه اصلی کسانی که ماموریت دارند تا این سرزمین را بطرف خوشبختی واقعی رهنمون گردند در اینست که سیستم مثلث را به سیستم مستطیل بدل گردانند و چون مسیر کا ملا " مشخص گردیده در جهت رسیدن به هدف کوچکترین تعلل - غفلت و یا کوتاهی بهیچوجه جایز نیست . بعبارت دیگر اگر در سیستم مثلث نیروی فرماندهی و طبقه بخصوص مرفه در راس آن بر طبقات و قشرهای مختلف جامعه سنگینی میکنند در سیستم مستطیل بمثابه قطاریکه در حال حرکت باشد نیروی محرکه جانشین نیروی فرماندهی شده و بی شباهت به لکوموتیو و راننده آن نمیباشد و سنگینی خود را به طبقات پائین تحمیل نمی نماید بلکه در قسمت جلوی قطار قرار گرفته و همان مقدار فشار را بر روی چرخهای سیستم اقتصادی کشور اعمال مینمایند که دیگر مسافرین قطار و یا افراد جامعه از خود بروز میدهند . با توجه به اینکه

در این سیستم تمام واگنها از مزایای مشابه برخوردارند عملاً " چنین جامعه‌ای را میتوان جامعه بی طبقه " نام گذاشت . اما اینجا هم ممکن است مسافرین واگنهائیکه در قسمت عقب قطار قرار دارند احساس دوری بیشتر از رهبریت و یا نیروی محرکه که همان قوای سه گانه مقننه - قضائیه و مجریه را تشکیل میدهند بنمایند که در اینصورت با توجه به پیشرفت و شرایط زمان و مکان آنکه در مسیر خود که هدف نهائی نیل و رسیدن به یک سیستم ایدال و یا به اصطلاح روز " سوسیالیسم اسلامی " است بتوان واگنها را پس و پیش نمود در نتیجه عقبی‌ها هم فرصت خواهند یافت که خود را با رهبریت نزدیکتر احساس کنند . ذکر مثال فوق بخوبی روشن مینماید که سرمایه داری بدون وجود محدودیت و درآمدهای بدون کنترل و بیحساب را انقلاب اسلامی ایران که از مکتب حضرت علی (ع) مایه میگیرد محکوم مینماید و اگر قرار باشد که بفرض تمام مایملک و دارائی یک فرد ایرانی جمعاً " از سی میلیون تومان و یا جمع در آمد یک فرد ایرانی از تمام منابع درآمد او برای مثال از رقم سیصد هزار ریال در همراه تجاوز ننماید و متقابلاً " پائین ترین فرد از پائین ترین طبقه جامعه هم از یک دارائی حداقل یک میلیونی و درآمد نسبی معقول بهره مندگردد . در اینصورت بدیهی است که یک سیستم مالیاتی بسیار قوی و دقیق در سطح مملکت ضروری است تا احیاناً " چنانکه دارائی و مایملک کسی به رقم ۳۱ میلیون تومان افزایش یافت به اندازه یک میلیون تومان هم بنحوی از انحاء و بطرق گوناگون مالیات صد درصد بر آن تعلق گیرد . حسن اجرای چنین سیستمی آنست که بعنوان مثال سرمایه دار و یا صاحب کارخانه خود بخود به این فکر گرایش پیدا میکند که بعوض پرداخت مالیات مازاد بهتر است در جهت توسعه کارخانه و یا شرکت و یا افزایش تولیدات و حتی در جهت سهیم کردن بیشتر کارگران در سود کارخانجات کوشش نماید . عبارت دیگر در اثر همین تدبیر از یکسو ظرفیتهای تولیدی بالا خواهد رفت و از سوی دیگر رفاه طبقه کارگر و یا کشاورز بیشتر و بهترتأمین خواهد شد . و اختلاف طبقاتی جای خود را به تفاهم طبقاتی خواهد داد . بدیهی است که چنین سیستم هیچگونه مانع آن نخواهد شد که شرکتهای و یا صنایع بزرگ با سرمایه‌های چند میلیاردی که طبیعتاً " در محدوده بالای سیستم مستطیل قرار میگیرند و از جمع سرمایه افراد جامعه تشکیل شده و برای توفیق در امر رقابت و سیاست تولید بیشتر بقیمت ارزانتر (Massproduction) در یک جامعه زنده با اقتصاد سالم لازم و ضروری است ایجاد و یا تشکیل نگردد . اما در هر حال جمع ارزش سهام یک فرد ایرانی و همچنین درآمد او باید از میزان ضوابط تعیین شده در قانون تجاوز ننماید . با اینکه سهام و سیستم اقتصادی اجتماعی - سیاسی ملهم از آن از نظر عظمت - منطق - اصول و جهان بینی و غیره به اندازه‌ای بزرگ و آسمانی است که بحق نه فقط در هیچ ایسمی نمی‌گنجد بلکه تمام ایسم‌های موجود مترقی دنیا از آن بهره‌ها گرفته اند ولی متأسفانه تاکنون یا بعلت ضعف سیاسی جوامع اسلامی و در نتیجه دخالت قدرتهای استعماری و استثمار و یا بعلت عدم برداشت صحیح از تعالیم و فلسفه بزرگ اسلام شکل صحیحی را از پیاده نمودن سیستم پیشنهادی در هیچیک از کشورهای اسلامی سراغ نداریم ولی بعنوان نمونه سیستمی که عملاً " تعالیم

۱۱۰۰۱۴

اسلام را از دیدگاههای اقتصادی بکارگرفته با وجود آنکه افراد آن جامعه هم مسلمان نیستند ولی سوسیالیسم اسلامی را عمل مینمایند شاید همان ممالک اسکاندیناوی و در راس آن سوئد و نروژ را بتوان نام برد که حتی بزرگترین کشور کمونیستی جهان یعنی روسیه شوروی بعد از سالها تجربه اکنون به آن طرف گرایش پیدا نموده است .



دکتر محسن جورابی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

آدرس - تهران - خیابان کریم خان زند - شرکت ملی صنایع پتروشیمی - صندوق پستی ۲۸۹۵

تلفن اداره ۹-۸۳۳۰۵۱ و ۷۴-۸۳۹۰۶۰

منزل ۹۲۶۶۹۸

موضوع - سوابق دکتر محسن جورابی کارمند شماره ۴۹۸۳۶ شرکت ملی صنایع پتروشیمی

- ۱- اینجانب محسن جورابی متولد سال ۱۳۱۶ بعد از طی دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه در تبریز برای ادامه تحصیلات به کشور آلمان غربی عزیمت و پس از اخذ درجه مهندسی در رشته کشاورزی در ماه نوامبر سال ۱۹۷۴ دکترای خود را در رشته تغذیه و کشاورزی دریافت و پیرو دعوت شرکت ملی نفت ایران جهت خدمت در طرحهای تولید کودهای شیمیائی به کشور عزیز مراجعت نمودم .
- ۲- در تاریخ ۱۳۴۴/۸/۵ به استخدام شرکت ملی صنایع پتروشیمی در آمده و در حدود دو سال در قسمت بازاریابی و بازرگانی شرکت تحت عنوان سرپرست گروه بازاریاب خدماتی انجام و از تاریخ ۱۳۴۶/۱۲/۱۱ بشرکت سهامی پخش کودشیمیائی منتقل و در امر توزیع - ترویج - اشاعه و تماس با کشاورزان بمنظور تشویق برای مصرف کود و ایجاد نهضت در جهت کشاورزی نوین فعالیت داشته ام .
- ۳- در اثر ارائه گزارشاتى از قبیل :
 - الف - اجرای اصل انقلاب اداری در شرکت ملی صنایع پتروشیمی
 - ب - جلوگیری از سوء استفاده های کلان در عقد قراردادهای
 - ج - اعتراضات شدید نسبت به امر ونحوه توزیع تولیدات صنایع پتروشیمی بویژه کودشیمیائی و ترویج آن در کشور که بعلت مصرف غلط کود کشاورزی کشور به نابودی کشیده میشد .
 - د - اعتراض شدید نسبت به حیف و میل بیت المال به طرق مختلف و غیره و غیره و غیرهدر تاریخ ۱۳۴۹/۲/۳۰ به بهانه استنکاف از انجام وظایف محوله به خدمت ایجانب در شرکت خاتمه داده شد .

لژوما " خاطر نشان میسازد که تمام ادعاهای اینجانب چه از نقطه نظرهای فنی و چه از نقطه نظرهای انسانی و معنوی و همچنین اعتراضات علیه تبعیض ها و نارسائی های اداری هر کدام بعدها بصورت کامل به اثبات رسید و حتی در نظام سابق نیز عدهای از واقع بینان و مدیران صحت عرایض - گزارشات و نظرات اینجانب را مورد تائید قرار دادند .

۴- پیرو حکم اخراج فوق الذکر طی نامه هائی به دولت وقت و رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران اینجانب خواستار ترک کشور و تسویه حساب نهائی و جبران خسارت شدم ولی گویا به مصلحت دیدند . که همچنان در کشور و در شرکت ملی صنایع پتروشیمی به فعالیت های " قابل کنترل از نظرهای اجتماعی و سیاسی " ادامه دهم .

۵- در تاریخ ۱۳۴۹/۹/۱۶ بعداز حدود ۷ ماه انفصال از خدمت مجدداً " در شرکت ملی صنایع پتروشیمی استخدام و در امور طرحها و بررسیها مشغول انجام وظیفه شدم .

۶- ضمن سنوات خدمت در شرکت ملی صنایع پتروشیمی سه سال بکار تدریس تکنولوژی کودشیمیائی و کشاورزی در دانشگاه تهران (دانشکده کشاورزی کرج) پرداخته و در دوره های آموزشی متعدد از قبیل بازدید از تاسیسات خطوط لوله - کارآموزی در مناطق نفت خیز - فن رهبری کنفرانس - کنفرانس گزارش نویسی - کلاسهای بازاریابی - دوره عالی سرپرستی و آخرین بار در یک دوره ماموریت آموزشی در زمینه صنایع پتروشیمی بمدت دو ماه و نیم در کشور رومانی از طرف سازمان UNIDO شرکت نمودم .

۷- در انتخابات دوره بیست و چهارم مجلس شورای ملی بعنوان نامزد انتخاباتی مردم تبریز و همچنین در انتخابات گذشته انجمنهای باصلاح ملی پایتخت شرکت ولی متاسفانه (ویا خوشبختانه !!!) در عمل بعلت عدم کنترل صحیح در امر برگزاری انتخابات مذکور و زدو بندهای پشت پرده حقوق مسلم اینجانب ضایع گردید اما در ضمن خدای عز و جل را سپاس میگذارم که در سیستم " آنچنانی " افرادی اینچنین به کعبه آمال ملت راه نیافته اند . جهت روشن شدن خط مشی و برنامه کار در زمان رژیم سابق که تامین مسکن برای عموم طبقات مردم و پیگیری و پیشنهاد خرید اراضی و یا تصرف اراضی بوسیله دولت و عرضه مستقیم آن به متقاضیان در سرلوحه مبارزات اینجانب بوده است یک نسخه از برنامه کار خود را به پیوست ایفاد میدارد .

۸- از طرف حدود هزار و ششصد سهامدار شرکت تعاونی مسکن کارمندان او . پی . جی (نفت - پتروشیمی - گاز) بعلت فعالیتهای اجتماعی و پیشقدم بودن در جهت خدمتگزاری بهمکاران و همشهریان عزیز در مجامع عادی و فوق العاده مورخ ۱۳۵۷/۵/۷ بعنوان عضو هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن فوق الذکر انتخاب و متاسفانه بعداز دو ماه فعالیت بعلت تخلفاتی که هیئت مدیره های سابق شرکت مرتکب شده بودند محیط را جهت ادامه فعالیت مناسب تشخیص نداده و در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۵ استعفا نمودم .

۹- در جریان انقلاب اسلامی ایران فرصتی دست داد تا در اثر چند گردهم آئی انجمنی را بنام " جمعیت آذربایجانیان " که اینجانب عضو هیئت موسس و عضو هیئت اجرائی آن میباشم بنیان نهیم وهم اکنون طبق مرامنامه این جمعیت سعی میشود که در تمام طرحهای مربوط به امور اقتصادی - عمرانی و مخصوصا " سیاسی کشور از جمله " نظام حکومت عدل اسلامی - قانون اساسی - تشکیلات مجالس شورا و غیره " در نظام آینده حتی المقدور و بنا به وظیفه دینی - میهنی و وجدانی خویش بطور پیگیر و مستمر اظهار نظر نموده و در جلسات تصمیم گیری شرکت نمایم .



محسن جورابی

کارمند شماره ۴۹۸۳۶ شرکت ملی صنایع پتروشیمی

کتابخانه آنلاین « طالقانی و زمانه ما »